



بازسازی حقیقت از طریق صداهای غیر قابل اعتماد در رمان درک یک پایان از جولیان بارنز

سمیه شریفی^۱

ناصر ملکی^۲

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی بازسازی حقیقت از طریق روایت غیرقابل اعتماد در رمان درک یک پایان (۲۰۱۱) اثر جولیان بارنز است. در روند جستجوی داستانی که در آن راوی، تحت کنترل صدای مولف، به تکذیب خود می‌پردازد، پژوهش حاضر رمان بارنز را درخور بررسی می‌داند. از این رو، استدلال ما این است که بارنز به کمک صداهای غی قابل اعتماد، خوانندگان خود را بر آن می‌دارد که به حقیقت روایت او شک کنند. خواننده، علاوه بر این که می‌داند راوی غیرقابل اعتماد است، از حضور صدای مکاری نیز آگاه است که در مورد گفته‌های راوی اظهار نظر نمی‌کند، بلکه همچون جاسوس گمراه کننده‌ای توالی بنیادی رویدادهای راوی را تحریف می‌کند. استدلال این پژوهش این است که حضور چنین صدایی را در رمان می‌توان به خودی خود غیرقابل اعتماد دانست. بدین منظور، تحلیل روایت‌شناختی این اثر در دو مرحله انجام می‌شود. مرحله اول بر سطح داستان، به ویژه بر موقعیت راوی تمرکز می‌کند تا نشان دهد که راوی سه دلیل اصلی برای شک به قابل اعتماد بودن خود به ما ارائه می‌دهد: سن، زوال عقل و اعتیادش به الکل. در مرحله دوم، تمرکز بر سطح متن است و نقش نویسنده‌ی ضمنی بررسی می‌شود. در پایان، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نویسنده‌ی ضمنی، صدای غیرقابل اعتمادی است که روایت راوی را تحریف می‌کند.

واژگان کلیدی: راوی غیرقابل اعتماد، نویسنده ضمنی، روایت، داستان، صدا، خواننده محور، نویسنده

محور

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی
^۲ دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی (نویسنده مسؤل)